

۱۶۰۱۵۲۶

السلامة العامة

علل گرایش به اقتدار گرایی و اندیشه میلیتاریستی
در دوره رضاشاه

مؤلف :

جواد مقیمی

سرشناسه	: مقیمی، جواد، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: علل گرایش به اقتدارگرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضاشاه/مؤلف جواد مقیمی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات راه دکتری: سنجش و دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۵-۳۹۹-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۱۹.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ -- سیاست و حکومت
موضوع	: Iran -- History -- Pahlavi, ۱۹۲۵- ۱۹۴۱ Politics and government --
موضوع	: اقتدارگرایی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	: Iran -- History -- Authoritarianism ۲۰th century
موضوع	: میلیتاریسم -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	: Iran -- History -- Militarism ۲۰th century
موضوع	: ایران: -- سیاست و حکومت -- ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
موضوع	: Iran -- Politics and government ۱۹۲۵- ۱۹۴۱ --
رده بندی کنگره	: DSR1۴۷۰/۵۷۴۰۰۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۱۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۰۰۵۴

عنوان: علل گرایش به اقتدارگرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضاشاه

مؤلف: جواد مقیمی

ناشر: انتشارات راه دکتری: سنجش و دانش

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

صفحه آرای: مهتاب دوستی

طراح جلد: مهتاب دوستی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰.۰۰۰ ریال

.....

کلیه حقوق مادی و معنوی برای مؤلف محفوظ می باشد.

www.rezomephd.ir

www.sanjesh.ir



دکتری
الکترنیکی
Professional Ph.D. Study

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۳.....	فصل اول
۳.....	کلیات
۴.....	طرح مسئله:
۸.....	تعاریف عملیاتی:
۸.....	نخبه گرایی:
۹.....	اندیشه میلیتاریستی (اقتدار طلبی).....
۹.....	طراحی پیامدها: فرضیه.....
۱۰.....	سازماندهی:
۱۲.....	فصل دوم
۱۲.....	بخش اول: شرایط و عوامل روزگار آمدن پادشاه
۱۳.....	- شکست انقلاب مشروطه و واگرایی حاصل شده از آن در جامعه
۱۴.....	- اختلافات فزاینده سیاسی در کشور
۱۶.....	- نقش قدرتهای خارجی در بروز ناامنیها و روی کار آمدن رضاخان
۱۹.....	- کودتا عامل رسیدن رضاخان به قدرت
۲۲.....	بخش دوم: سلطانیسم و ساختار قدرت مطلقه رضا شاه
۲۲.....	ماهیت اجتماعی طبقاتی و ستونهای حمایتی حکومت اقتدار گرای رضاشاه
۳۱.....	بخش سوم: پاتریمونالیسم
۳۱.....	مقدمه
۳۷.....	- تحلیل نظامهای سیاسی نوپاتریمونال جهان سوم
۴۰.....	فصل سوم
۴۰.....	بخش اول: نظریه نخبه گرایی سیاست
۴۰.....	بخش دوم: نظریه اقتدارگرایی دیوان سالار
۴۱.....	- کلیات
۴۵.....	- خاصنگاهها و بافت اجتماعی نخبه گرایی کلاسیک
۴۸.....	ماهیت نخبگان

۵۲	- نظریه نخبه گرایی و دموکراسی
۵۵	- نخبه گرایی دموکراتیک
۵۷	- بررسی نقادانه نخبه گرایی و نتیجه گیری کلی
۶۳	- تقسیم بندی نظامهای سیاسی اقتدار کرا
۶۵	- اصول محوری نظریه اقتدار گرای دیوان سالار
۷۰	- علل گرایش به رژیمهای اقتدارگرای دیوان سالار
۷۴	- نمودار سیر احتمالی تکوین رژیم اقتدارگرای دیوان سالار
۷۴	- عوامل مؤثر در عملکرد رژیم اقتدارگرای دیوان سالار
۷۷	- مقایسه نظامهای پایه براساس ایجاد اقتدار
۸۲	فصل چهارم
۸۲	بخش اول: علل و عوامل داخلی گرایش به نخبه گرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضا شاه
۸۲	بخش دوم: علل و عوامل خارجی گرایش به نخبه گرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضا شاه
۸۲	بخش سوم: نتیجه گیری
۸۳	بخش اول: علل و عوامل داخلی گرایش به نخبه گرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضاشاه
۸۳	- عوامل سیاسی داخلی
۹۲	- عوامل اجتماعی
۹۶	- علل اقتصادی
۱۰۱	- عوامل فرهنگی، شخصیتی و روانی
۱۰۹	بخش دوم:
۱۰۹	علل و عوامل خارجی گرایش به نخبه گرایی و اندیشه میلیتاریستی در دوره رضاشاه
۱۰۹	سلطه و نفوذ دولتهای خارجی در ایران
۱۱۲	- درآمدهای خارجی ناشی از نفت و هزینه های تسلیحاتی و قدرتمندی ارتش
۱۱۳	- حمایت های انگلستان و روسیه از رضاشاه
۱۱۹	فهرست منابع

مقدمه

عامل گرایش به قدرت مطلقه و سلطانی رضاشاه و برقرار نشدن جامعه مدنی و بوجود آمدن. نخبه‌گرایی در این دوران را باید در مولفه‌های قبل از سلطنت و به قدرت رسیدن وی بررسی کرد مطالعه علل شکل نگرفتن جامعه مدنی در ساخت قدرت مطلقه رضاشاه، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و سیاسی قبل از کودتا ۱۲۹۹ ناقص خواهد بود و می‌توان گفت که مولفه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قبل از کودتا و آرزوی روشنفکران و وطن‌پرستان در مورد شکل‌گیری دولت قوی مرکزی در ایران در وقوع کودتا و پدید نیامدن جامعه مدنی پس از آن موثر بود.

به این صورت که با وقوع انقلاب مشروطه، پاره‌ای از نمادهای ظاهری جامعه مدنی به صورت قانون و مقررات به تصویب رسید ولی هرگز شکل عینی به خود نگرفت در نهایت انقلاب مشروطه به دلائلی چون ناکامی سیاسی-اجتماعی و بی‌سوادی توده‌ها، اختلاف نظرهای سیاسی یا وجود رابطه‌های گسسته در جامعه، دخالت قدرتهای خارجی، وقوع جنگ جهانی اول و اشغال ایران، وقوع انقلاب سوسیالیستی در روسیه، گسترش جنبشهای جدایی طلب در کشور و نا امنیهای فزاینده حاصل از آن ناسام . بد

از نظر سیاسی و اقتصادی، بریتانیا به دلیل وقوع انقلاب سوسیالیستی در روسیه و خطر نفوذ کمونیسم به ایران و تهاجم روسیه به هند از طریق ایران و حفظ شرایط حیاتی خود در جنوب ایران و هند ضرورت دانست تا حکومت مقتدر مرکزی در ایران برپا شود.

از طرف دیگر در بعد اجتماعی ناکامی نهضت مشروطه یعنی نا امنیهای گسترده در سطح جامعه و تجربه ناموفق برقراری دموکراسی در ایران بنا به دلائلی که گفته شد افکار عمومی، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و شاعران به دنبال «منجی» و در مشت آهنین بودند و این مساله

آرمان آنان شده بود و همه در آرزوی تحقق حکومت مقتدر مرکزی و دولت مدرن بودند تا نا امنیها را در سطح کشور فرو نشانده و جامعه را به سعادت و ترقی برساند و انجام کودتای بدون خونریزی و مقاومت، این ادعا را ثابت می‌کند، آنان در جهت تحقق آرمان خود به رضاخان یاری رساندند.

بنابراین رضاخان در چنین جوی با حمایت این احساسات عمومی به قدرت رسید ولی از احساسات عمومی در جهت تحقق آرمان خود به رضاخان یاری رساندند بنابراین رضاخان در چنین جوی با حمایت این احساسات عمومی به قدرت و سیله ولی از احساسات عمومی در جهت تقویت قدرت مطلقه و شخص خود سوء استفاده کرد.^۱

۱- محمد علی کائووزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نقیسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۹